

دیپلماسی دفاعی چین

دکتر حیدرعلی بلوجی^۱

تاریخ ارائه: ۱۹/۹/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۹/۱۱/۱۰

چکیده

از دهه ۱۹۹۰، جهان شاهد حضور روزافزون چین در عرصه اقتصادی، سیاسی و امنیتی بوده است. دامنه شمول منافع اقتصادی چین، دولت این کشور را با مسائل سیاسی و امنیتی جهان نیز پیوند زده و در نتیجه، مقام‌های این کشور با کنار گذاشتن اندیشه‌های سنتی و مائوئیستی و اتخاذ رویکرد عملگرایانه به تعامل بیشتر با نظام بین‌المللی با استفاده از هر وسیله و روشی و از جمله دیپلماسی دفاعی روی آورده‌اند. با توجه به اهمیت این موضوع در نظام بین‌الملل و چشم‌انداز ظهور چین به عنوان یک قدرت برتر در چند دهه آینده، مقاله حاضر می‌خواهد با تبیین مفهوم دیپلماسی دفاعی، به بررسی جایگاه دیپلماسی دفاعی، اشکال و روندهای آن در سیاست خارجی کلان چین بپردازد. سپس، با ورود به مباحث عملی، وضعیت روابط نظامی چین با آمریکا، روسیه، سایر قدرت‌های بزرگ، کشورهای مهم مناطق همجوار با چین و از جمله جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده و در نهایت ویژگی‌های مهم دیپلماسی دفاعی چین را جمع‌بندی می‌کند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی دفاعی، روابط نظامی، روندها، آمریکا، چین، امنیت منطقه‌ای.

۱. محقق مسائل امنیت بین‌المللی؛ نویسنده تأکید می‌کند که همه نظرات و تجزیه و تحلیل ارائه شده در این مقاله بر اساس نظر شخصی بوده و به نمایندگی از هیچ سازمان و نهادی نیست.

مقدمه

امروزه بازیگران عرصه روابط خارجی کشورها مانند زمان‌های سنتی فقط محدود به نمایندگان رسمی دولت‌ها و تحت عنوان فرستاده‌های دیپلماتیک نیستند، بلکه طیف گوناگونی از بازیگران فراوان با توجه به کارکرد خود، در تأمین و تقویت منافع ملی کشورها نقش دارند. باوجود این، آنچه کمی عجیب به نظر می‌رسد، نقش عناصر و دستگاه‌های نظامی در عرصه دیپلماتیک می‌باشد. اما، چنین رویکردی به قدری بین واحدهای نظام بین‌المللی گسترش یافته است که حتی کشورهای کوچک نیز برنامه‌ای ملی برای دیپلماسی دفاعی پیش‌بینی کرده‌اند.

در این میان، بدیهی است که سیاست و راهبرد قدرت‌های بزرگ در زمینه دیپلماسی دفاعی نسبت به سایر کشورها توجه بیشتری به خود جلب می‌کند. چین یکی از این کشورهاست. به‌ویژه با توجه به تعریف دیپلماسی دفاعی که بعدها مورد بحث قرار می‌گیرد، چین ضمن اینکه دیپلماسی دفاعی مخصوص به خود را داراست، به‌عنوان یک کشور هدف، مورد توجه سایر قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص کشورهای غربی می‌باشد. هرچند روابط کنونی چین و کشورهای مزبور نسبت به گذشته تفاوت بسیاری بارزی کرده است و دیگر حالت دشمنی و رقابت ایدئولوژیک بین آنها وجود ندارد، جهان‌بینی خاص، طرز تلقی‌های متفاوت، برداشت‌های مختلف، سیاست‌های متضاد و سرانجام منافع واگرا باعث شده تا حساسیت متقابل آنها همچنان در سطح بالایی مانده باشد. به عبارت دیگر، درست است که دیگر مانند گذشته بر طبل جنگ کوبیده نمی‌شود، اما حفظ توان مؤثر بازدارندگی از سوی طرفین دنبال می‌شود. در این میان، دو طرف در بهره‌برداری از موقعیت‌ها و ابزارهای جدید نیز غافل نیستند. یکی از این ابزارها، دیپلماسی دفاعی است. باوجود این، در حالی که سیاست‌ها و دیپلماسی دفاعی کشورهای غربی در ادبیات موجود همواره مطمح‌نظر بوده و بحث‌های مختلفی راجع به آن ارائه شده است، توجه به دیپلماسی دفاعی چین به نوعی از تازگی برخوردار است.

در واقع، از دهه ۱۹۹۰، جهان شاهد حضور روزافزون چین در عرصه اقتصادی، سیاسی و امنیتی بوده است، به گونه‌ای که عرصه فعالیت‌های خارجی چین دیگر مانند گذشته، محدود به منطقه آسیا و اقیانوسیه نبوده و این کشور نه تنها در سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی به طور خیلی فعال، ظاهر شده بلکه مقام‌های چین سفر به اقصی نقاط دنیا و حتی کشورهای بسیار کوچک را در دستورکار خود قرار داده‌اند. دامنه دربرگیری منافع اقتصادی چین، دولت این کشور را با مسائل سیاسی و امنیتی جهان نیز پیوند زده و در نتیجه، مقام‌های این کشور با کنار گذاشتن اندیشه‌های سنتی و مائوئیستی و اتخاذ رویکرد عملگرایانه به تعامل بیشتر با نظام بین‌المللی روی آورده‌اند. البته ملاحظه‌های سیاسی همچنان مهم هستند، ولی دیپلماسی جاری این کشور بیش از گذشته در خدمت منافع اقتصادی قرار گرفته است.

در چنین شرایطی، پرسش‌های مورد نظر برای بررسی در این مقاله عبارتند از: جایگاه دیپلماسی دفاعی چین در چارچوب کلی دیپلماسی این کشور چیست؟ ارتش در حوزه سیاست خارجی چه وظایف و کارکردی بر عهده دارد و تحولات سال‌های اخیر در این زمینه کدام است و چرا؟ و سرانجام، دیپلماسی دفاعی چین در رابطه با قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه چه روندهایی را طی کرده و در نهایت، وضعیت دیپلماسی دفاعی چین در رابطه با جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا با مروری بر مفهوم دیپلماسی دفاعی، به بررسی جایگاه دیپلماسی دفاعی، اشکال و روندهای آن در سیاست خارجی کلان چین می‌پردازیم. سپس با ورود به مباحث عملی وضعیت روابط نظامی چین با آمریکا، روسیه، سایر قدرت‌های بزرگ، کشورهای مهم مناطق همجوار با چین و از جمله جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده و در نهایت با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

۱. مفهوم دیپلماسی دفاعی

اصطلاح دیپلماسی دفاعی در نگاه اول دارای یک تناقض است؛ زیرا در چارچوب این اصطلاح دو مفهوم تا حدی دور از هم، در کنار هم آمده‌اند. به عبارت دیگر، در حالی که استفاده از نیروی نظامی برای تأمین منافع ملی یک کشور، ناظر بر خشونت و کاربست قوه قهریه است، مستفاد از مفهوم دیپلماسی، توسل به ابزارها و روش‌هایی غیرخشونت‌آمیز است (Plessis, 2008: 48). با وجود این، بررسی منابع و ادبیات موجود به ما نشان می‌دهد که این تناقض، برخاسته از تقسیم‌بندی سنتی مربوط به ابزارهای اجرای هدف‌های ملی در زمینه سیاست خارجی است که ابزارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را شامل می‌گردد (Plessis, 2008: 49).

در این راستا، دیپلماسی، اولین ابزار تعقیب و تحقق منافع ملی به شیوه مسالمت‌آمیز است که از سوی نمایندگان مجاز و معتبر دولت‌ها انجام می‌گیرد. البته، نوع و شیوه بهره‌برداری از ابزارهای دیگر سیاست خارجی حتی ابزارهای نظامی و دیپلماسی می‌تواند به شیوه‌های مختلف به ایفای نقش پردازد، به‌ویژه اینکه امروزه کارکرد نیروهای نظامی فقط محدود به زمان جنگ نبوده و حتی در زمان صلح نیز طیفی از کاربردهای مختلف از انجام رزمایش‌های نظامی مشترک و مبادله اطلاعات نظامی گرفته تا ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه را در بر می‌گیرد.

صرف‌نظر از وضعیت بالا، ابزارهای فوق در بیشتر مواقع دارای سلسله‌مراتب نیز می‌باشند. برای مثال با مراجعه به فصل شش و هفت منشور ملل متحد، به عنوان یک سند جهانشمول، می‌توان نتیجه گرفت که افزون بر الزام اعضای ملل متحد به استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف‌ها، استفاده از مجاری دیپلماتیک، مقدم بر توسل به اهرم‌های اقتصادی و فرهنگی و در نهایت نظامی می‌باشد (UN Charter: Articles 33-51). بر این اساس، ابزارهای نظامی، آخرین اهرم کشورها برای تحقق هدف‌های سیاست خارجی تلقی می‌شوند. در عمل، وضعیت حتی پیچیده‌تر است؛ زیرا ابزارهای مختلف به درجه‌ها

و در شرایط گوناگون و به‌طور همزمان مورد استفاده قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که برخی مواقع، تفکیک آنها از همدیگر تا حدودی دشوار می‌شود. برای مثال، آیا تجارت اسلحه با توجه به اینکه نوعی تعامل با یک طرف خارجی و براساس قرارداد بین‌المللی انجام می‌گیرد، یک ابزار دیپلماتیک است، یا با توجه به نقش پول و سود در چنین قراردادی، مسئله‌ای اقتصادی است و سرانجام با توجه به موضوع اصلی آن، که همان اسلحه است، امری نظامی است؟ چنین مثالی در حوزه‌های دیگر نیز قابل تصور می‌باشد.

در چنین شرایطی، دو جزء تشکیل‌دهنده «دیپلماسی دفاعی» به تنهایی گویای ماهیت خود هستند، ولی ترکیب این دو جزء، مفهوم جدیدی را به‌وجود می‌آورد. دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان «همکاری نظامی میان کشورها در زمان صلح» تعریف کرد (Cottey and Foster, 2004 : IV). با این تعریف، چنین مفهومی در زمان‌های گذشته هم میان کشورها رایج بوده است و در واقع، پس از جنگ جهانی دوم بود که به‌خصوص کشورهای غربی به این امر به‌عنوان ابزاری برای تعامل با دشمنان سابق و یا رقبای بالقوه نگاه کرده‌اند. پس از فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱، این مفهوم دوباره و البته در سطحی وسیع‌تر مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، هدف‌های بزرگ‌تری نیز مورد نظر می‌باشد، که تعامل با روسیه و چین در رأس آنها قرار می‌گیرد. این هدف‌ها از نگاه کشورهای غربی عبارتند از: ترغیب این دو کشور به همکاری‌های نظامی بیشتر در سطح منطقه‌ای، حمایت از دموکراتیک کردن روابط بخش‌های نظامی و غیرنظامی در این کشورها، افزایش شفاف‌سازی و سرانجام تقویت توانمندی‌های و ترغیب این کشورها به مشارکت در زمینه حفظ صلح بین‌المللی (Cottey and Foster, 2004 : V)

۲. سیاست خارجی کلان چین و نقش دیپلماسی دفاعی

با مراجعه به برنامه‌ها و مواضع چین، برای تعیین جایگاه دیپلماسی دفاعی در سیاست خارجی این کشور، اولین موضوع آن است که بدانیم دیپلماسی دفاعی از

دیدگاه رهبران این کشور از موقعیت راهبردی برخوردار است و انتظار آنها بر این است که دیپلماسی دفاعی، دستورکار سیاسی، اقتصادی و امنیتی مورد نظر را پشتیبانی کند (Gunness, 2006: 2). از این نظر، دیپلماسی دفاعی و سیاسی، جدایی‌ناپذیرند و هر گونه اقدام و فعالیت نیروهای نظامی در خارج از کشور نمی‌تواند جدا از فعالیت‌های سیاسی و تنها یک اقدام نظامی تلقی شود. برای مثال، سند دفاع ملی چین در سال ۲۰۰۴، هدف‌های امنیت ملی این کشور را شامل مواردی می‌داند که تنها دو مورد آخر آن، فقط نظامی تلقی می‌شوند (White Paper on National Defense, 2004):

- (۱) تأمین و تقویت توسعه اقتصادی؛
- (۲) ایجاد محیط بین‌المللی مطلوب برای چین؛
- (۳) حفظ نظم و آرامش داخلی؛
- (۴) جلوگیری از جدا شدن تایوان و دفاع از حاکمیت ملی؛
- (۵) نوسازی ارتش چین.

افزون بر این، ارتش چین در فعالیت‌های خارجی خود، مستقل عمل نمی‌کند و بسته به وضعیت روابط دوجانبه چین با کشورهای مختلف، ارتش باید در هر گونه تعامل نظامی با کشورهای دیگر، با مراجع مختلف و به‌خصوص حزب کمونیست این کشور هماهنگی‌های لازم را انجام دهد. از جمله، ارتش چین برای هر نوع اقدام در رابطه با ارتش آمریکا باید مجوز کارگروه سیاست خارجی دفتر مرکزی حزب کمونیست را از پیش کسب نموده باشد.

ماده ۶۵ قانون دفاع ملی چین نیز که در سال ۱۹۹۷ به تصویب رسیده است، در مورد روابط نظامی چین با کشورهای خارجی می‌گوید: جمهوری خلق چین (در رابطه با کشورهای دیگر) به پنج اصل احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی پایبند است که عبارتند از: عدم تجاوز و مداخله در امور داخلی به طور متقابل، برابری و نفع متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز، رعایت استقلال در روابط نظامی، و همکاری و

مبادله‌های نظامی با کشورهای دیگر (1: Matsuda, December 2006). گفتنی است که از نظر دولت چین، دیپلماسی نظامی - که به‌منظور جلوگیری از بار معنایی منفی، توسط دولت‌ها به عنوان دیپلماسی دفاعی نامیده می‌شود- چیزی ورای مبادله‌های نظامی است و این‌گونه مبادله‌ها به‌عنوان عملکرد دستگاه‌های نظامی در عرصه خارجی به‌خصوص با کشورهای دوست و متحد، تنها بخشی از دیپلماسی دفاعی را تشکیل می‌دهند و همان‌گونه که اشاره شد، دیپلماسی دفاعی شامل هدف‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدام‌های یک کشور برای تعامل با دشمنان گذشته و رقبای آینده است. دیپلماسی دفاعی، بسیار شبیه دیپلماسی سیاسی کشورهاست، با این تفاوت که، محتوای اصلی آن به جای مسائل سیاسی، دربرگیرنده مسائل نظامی است.

در واقع، با توجه به هدف‌های کلان چین در زمینه سیاست خارجی و به‌ویژه تلاش برای ایجاد شکاف در جبهه دنیای غرب و پرهیز از تحریک آمریکا، استفاده از عضویت در سازمات تجارت جهانی برای مدیریت جهانی‌شدن و نیز ایجاد سازوکار همکاری‌های امنیتی در آسیا - پاسفیک، دیپلماسی دفاعی نقش مهمی در تحقق این هدف‌ها ایفا می‌کند.

گفتنی است که دیپلماسی دفاعی چین نیز برای خود دارای هدف‌های خاصی می‌باشد. در حالی که برخی از این هدف‌ها شامل تقویت قدرت ارتش، بهبود روابط نظامی با کشورهای دیگر و کسب فناوری‌های پیشرفته، مشابه هدف‌های بسیاری دیگر از کشورها در این مقوله است، چین از راه دیپلماسی دفاعی، هدف‌های خاصی را نیز دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن، رفع تصور تهدید چین در بین کشورهای خارجی و به‌ویژه کشورهای منطقه و نیز مدیریت مسئله تایوان است (6: Matsuda, December 2006). کسب اطلاعات نظامی کشورهای دیگر نیز از راه این نوع دیپلماسی، به طراحی و اجرای راهبردهای مختلف چین کمک خواهد کرد.

۳. عناصر دیپلماسی دفاعی چین

اشکال دیپلماسی دفاعی چین - مسئولیت اصلی این روابط بر عهده ارتش است و وزارت دفاع ملی چین به‌عنوان نماینده ارتش در زمینه روابط خارجی عمل می‌کند - با کشورهای دیگر در سطح دوجانبه و چندجانبه شامل موارد زیر می‌باشد (Gunness, 2006: 4-7):

(۱) فعالیت‌های راهبردی از قبیل برگزاری منظم گفت‌وگوهای راهبردی و نظامی، مبادله هیئت‌های نظامی بلندپایه، عقد توافقنامه و امضای یادداشت تفاهم با کشورهای دیگر، صادرات و واردات اسلحه؛

(۲) فعالیت‌های منطقه‌ای مانند برگزاری رزمایش‌های مشترک، حل و فصل منازعه‌های ارضی و مرزی با کشورهای همسایه، حضور فعال در پیمان‌های نظامی و امنیتی منطقه‌ای و از جمله سازمان همکاری‌های شانگهای؛

(۳) مبادله کارکنان برای دوره‌های آموزشی شامل اعزام کارکنان رسته‌های گوناگون ارتش برای شرکت در دوره‌های آموزشی خارجی و پذیرش نظامیان کشورهای دیگر در دوره‌هایی که در چین برگزار می‌شوند و نیز دعوت از مربیان خارجی برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی جهت نیروهای نظامی چین؛

(۴) همکاری‌های نظامی و امنیتی با بازیگران دولتی و غیردولتی شامل مبارزه علیه تروریسم، مشارکت در مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل، همکاری برای ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه به هنگام بحران‌های بین‌المللی و مشارکت در فرایندهای بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات شامل مذاکره، تدوین و اجرای رژیم‌های بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات به خصوص در قالب سازوکارهای مربوط سازمان ملل و نیز سازمان‌های منطقه‌ای.

همچنین، موارد مهم دیپلماسی دفاعی و از جمله همکاری‌های نظامی و دفاعی چین در سال ۲۰۰۹ موارد زیر را شامل می‌گردد (Annual Report to Congress, 2010: 16-19):

(۱) رزمایش‌های مشترک دوجانبه‌ای با پاکستان، گابن، سنگاپور، مغولستان و

روسیه؛

(۲) عملیات‌های حفظ صلح و ارسال کمک‌های بشردوستانه. در حال حاضر ۲۱۰۰

نیروی چینی در قالب این نیروها و در بخش‌های نظامی و غیرنظامی مشغول فعالیت هستند و تاکنون چین در ۲۲ عملیات، ۱۲۰۰۰ نیروی خود را در اختیار سازمان ملل گذاشته است. از این نظر، چین در بین پنج عضو دائم شورای امنیت، مقام اول را دارد. دولت چین، ارسال کمک‌های بشردوستانه را نیز زمینه مهمی برای عملی کردن برنامه‌های بین‌المللی خود یافته است و در سال ۲۰۰۹ چین برای اولین بار، کشتی بیمارستانی خود را به روی نیروهای نظامی خارجی گشود.

برمبنای آمار منتشر شده در سالنامه «موازنه نظامی ۲۰۱۰»، دولت چین، به عنوان بیستمین کشور فعال جهان از نظر تعداد نیروهای شرکت‌کننده در برنامه‌های حفظ صلح سازمان ملل، در قالب برنامه‌های این سازمان، ۱۲ نیرو برای حضور در گروه نظارت بر آتش‌بس مغرب و پلیساریو در صحرای غربی؛ ۷ نیرو برای نظارت بر آتش‌بس و رعایت تحریم تسلیحاتی نسبت به گروه‌های متخاصم در ساحل عاج؛ ۲۱۸ سرباز و ۱۵ ناظر برای نظارت بر صلح در جمهوری دموکراتیک کنگو؛ ۳۴۴ سرباز برای کمک به دولت لبنان جهت تأمین امنیت مرزهای این کشور و کمک به پاکسازی جنوب این کشور؛ ۵۶۴ سرباز و دو ناظر به لیبریا برای اصلاح ساختار نظامی و تقویت امنیت این کشور؛ ۴۴۴ سرباز و ۱۲ ناظر برای نظارت بر اجرای توافقنامه صلح جهت بازگشت آوارگان به شهرها و روستاهای خود در کشور سودان؛ ۳۲۵ نیروی دیگر برای کمک به جلوگیری از وقوع خشونت بین غیرنظامیان در منطقه دارفور سودان؛ و در نهایت، دو مربی برای آموزش نیروهای پلیس تیمور، اعزام کرده است (The Military Balance, 2010: 416).

حال، با توجه به مواضع و اظهارات مقام‌های چینی، مهم‌ترین عناصر دیپلماسی

دفاعی این کشور عبارتند از (Four Major Features of China's..., 20 November 2009):

(۱) مبادله هیئت‌های نظامی و تبادل نظر در مورد مسائل راهبردی؛

(۲) رزمایش‌های نظامی مشترک؛

(۳) فعالیت‌های نظامی چندجانبه؛

(۴) همکاری‌های امنیتی در حوزه‌های غیرمتعارف.

گفتنی است که تصمیم به تغییر رویکرد دفاعی چین در یک زمان واحد، انجام نگرفته و به مرور زمان حاصل شده است. در عین حال، چین تاکنون وارد هیچ گونه اتحادیه نظامی نشده است و در نتیجه، در تعقیب منافع ملی خود هم در بُعد سیاسی و هم نظامی، از انعطاف و آزادی عمل بیشتری برخوردار است.

۴. رویکرد جاری در دیپلماسی دفاعی چین

آمار مربوط به دیپلماسی نظامی چین بر اساس منابع مختلف و در بازه‌های زمانی مختلف تا حدودی متفاوت است. این اختلاف نظر به‌ویژه بین منابع وابسته به دولت چین (با رویکرد توجیهی و طرفدارانه) و گزارش‌ها و تحلیل‌های کشورهای غربی (با رویکرد مشکوک و بدبینانه) بسیار مشهود می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت که روابط نظامی چین با دیگر کشورهای جهان رو به گسترش است. تنها در سال ۲۰۰۹ بیش از بیست هیئت نظامی بلندپایه این کشور با هم‌تایان خود ملاقات کردند و جلسات مشورتی فراوانی در زمینه مسائل دفاعی بین نظامیان چین با کشورهای هم‌چون آمریکا، آلمان، استرالیا و ویتنام برگزار گردید. در دو دهه گذشته نیز بیش از ۲۰۰۰ هیئت نظامی چینی از ۹۰ کشور جهان دیدن کرده و در همین مدت، نظامیان چین پذیرای حدود ۳۰۰۰ هیئت نظامی خارجی بوده‌اند. بیش از نیمی از این هیئت‌های اعزامی و پذیرفته شده در حد فرماندهان ارشد و رؤسای ستاد کل و نظایر آن بوده است. در واقع، چین با ۱۴۶ کشور جهان دارای روابط نظامی است و در

حالی که وابستگان نظامی چین به ۱۰۳ کشور جهان اعزام شده‌اند، ۷۴ وابسته نظامی، مقیم پکن می‌باشند (New Era for China's Military Diplomacy, 6 Nov 2002).

البته اولویت اصلی دیپلماسی دفاعی چین، کشورهای همسایه و از جمله روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین همسایه این کشور است. روابط نظامی دو کشور در حد راهبردی و در برگیرنده اشکال مختلف همکاری‌های نظامی از برگزاری گفت‌وگوهای راهبردی گرفته تا تبادل اطلاعات نظامی و امنیتی و برگزاری رزمایش‌های مشترک می‌باشد.

همکاری‌های نظامی با دیگر همسایگان و از جمله قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان نیز برای چین بسیار حائز اهمیت است. یکی از نمودهای عینی همکاری‌های نظامی و امنیتی با همسایگان، تأسیس سازمان همکاری‌های شانگهای می‌باشد. نشست‌های وزاری دفاع این سازمان، سازوکار مهمی برای تعیین دستورکار همکاری‌های امنیتی و نظامی و تصمیم‌گیری برای راهبردها و راهکارهای مبارزه علیه تروریسم، جدایی‌طلبی، فعالیت‌های افراط‌گرایانه و تقویت امنیت منطقه‌ای است. طبق مصوبات این نشست‌ها، تاکنون رزمایش‌های مشترکی بین اعضا در مورد مبارزه علیه تروریسم برگزار شده است (www.sectso.org). در مرحله بعدی، همکاری‌های دفاعی چین با کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه آن) و کشورهای در حال توسعه در قاره‌های مختلف آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین حائز اهمیت می‌باشد. باوجود این، در حالی که چین در رابطه با کشورهای در حال توسعه اغلب یک منبع عرضه‌کننده می‌باشد، نگاه این کشور نسبت به سایر قدرت‌های بزرگ و کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که چین به‌خصوص آمریکا و اتحادیه اروپایی را منبعی برای دسترسی به سلاح‌ها و فناوری‌های نظامی پیشرفته می‌داند (New Era for China's Military Diplomacy, 6 Nov 2002).

در اواخر دهه ۱۹۹۰، مقام‌های چینی به روش‌های گوناگون در موضع‌گیری‌های خود در زمینه سیاست خارجی به کشورهای دیگر اطمینان داده‌اند که آنها وارد اتحاد با هیچ

کشور دیگری نخواهند شد و در نتیجه، مقوله‌های اتحاد سیاسی و نظامی، آن چنان که برای بسیاری از کشورها مطرح است، برای چین موضوعیتی ندارند تا موجب درگیری و دل‌مشغولی این کشور شوند. معنی دیگر این موضع‌گیری آن است که نیروهای چینی در خارج از کشور مستقر نشده و نگاه مسئولان این کشور برای تأمین امنیت ملی به نیروهای مستقر در درون مرزهای این کشور معطوف خواهد بود (Blank, 11 Nov 2003: 1).

تحولات دهه اول قرن ۲۱ این موضع‌گیری را به چالش کشانده و چشم‌انداز درگیر شدن بیشتر نیروهای چینی در مسائل بین‌المللی را نمایان‌تر کرده است. تغییر دستورکار سازمان همکاری‌های شانگهای از سازمانی که برای تعیین مرزها و اطمینان‌سازی و نظایر آن بود به سازمانی برای مبارزه علیه تروریسم و مسائل امنیت منطقه‌ای، نشانگر آمادگی چین برای اتخاذ موضعی متفاوت در زمینه دیپلماسی دفاعی بوده است. بر این اساس، چین به عنوان یک عضو این سازمان موافقت کرده است که در صورت نیاز، نیروهای خود را برای مبارزه علیه تروریسم به خارج از کشور اعزام کرده و حتی فرماندهی عملیات‌های مربوطه را به فرماندهان غیرچینی واگذار کند (Blank, 11 Nov 2003: 2).

گفتنی است که در چنین عملیات‌هایی تمام نیروها اعم از زمینی، دریایی و هوایی - به جز یگان‌های مربوط به نیروهای هسته‌ای - می‌توانند به ایفای نقش پردازند. همچنین، اضافه می‌شود که تغییر رویکرد و موضع چین را می‌توان تلاشی برای ایجاد و گسترش حوزه نفوذ، به‌ویژه در منطقه حساس و مهم آسیای میانه برای این کشور، تعبیر کرد.

افزون بر مسائل دفاعی دوجانبه، نمایندگان نهادهای نظامی چین با حضور در مذاکرات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات و دادن مشورت‌های فنی به هیئت‌های چینی، نقش مهمی در موضع‌گیری‌های این کشور در این عرصه ایفا می‌کنند. بدیهی است که با توجه به اینکه چین یک قدرت هسته‌ای می‌باشد، نقش ارتش در تعیین رهنامه دفاعی و سیاست امنیت ملی این کشور که دارای ابعاد خارجی و بین‌المللی است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

دو جدول زیر آمار مبادله هیئت‌های نظامی چین با کشورهای مختلف را در سال‌های ۲۰۰۵-۹ نشان می‌دهد. بدیهی است که خود کشورها و تعداد دفعات مبادله هیئت‌ها، جایگاه و اولویت آن کشورها برای چین را دست‌کم در دوره مورد مطالعه، نشان می‌دهد.

جدول ۱. اعزام هیئت‌های نظامی چین به کشورهای دیگر در سال‌های ۲۰۰۵-۹

| ۲۰۰۹ | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۵ |
|-----------------|-------------------|--------------|--------------|-----------|
| استرالیا | بحرین | آرژانتین | استرالیا | آرژانتین |
| بلغارستان | بلاروس | شیلی | بلاروس | بنگلادش |
| برمه | برزیل | کوبا | برمه | کوبا |
| فنلاند | برونئی | یونان | کامبوج | دانمارک |
| آلمان | شیلی | ژاپن | دانمارک | مصر |
| ژاپن | آلمان | کویت | فرانسه | آلمان |
| نیوزیلند | مجارستان | قرقیزستان | مجارستان | هندوستان |
| کره شمالی | هندوستان | مغولستان | هندوستان | قزاقستان |
| پاکستان | اندونزی | فیلیپین | لائوس | هلند |
| پاپوآ | ایتالیا | روسیه | مالزی | فیلیپین |
| گینه | ژاپن | کره جنوبی | نیوزیلند | روسیه |
| روسیه | نیپال | تایلند | کره شمالی | سودان |
| صربستان و مونته | نروژ | ایالات متحده | نروژ | تاجیکستان |
| نگرو | عمان | ازبکستان | پاکستان | تانزانیا |
| سنگاپور | قطر | ویتنام | رومانی | ترکیه |
| اسلواکی | عربستان سعودی | | روسیه | اروگوئه |
| کره جنوبی | صربستان و مونته | | سنگاپور | |
| تایلند | نگرو | | کره جنوبی | |
| ترکیه | سنگاپور | | تاجیکستان | |
| ایالات متحده | کره جنوبی | | تایلند | |
| ویتنام | تاجیکستان | | ایالات متحده | |
| | تایلند | | ویتنام | |
| | امارات متحده عربی | | | |
| | ونزوئلا | | | |

Source: Annual Report to Congress, 2010: 73

جدول ۲. هیئت‌های نظامی بازدیدکننده از چین در سال ۲۰۰۹

| | | | | | |
|----------|-----------|------------|-----------|--------------------|-------------------|
| استرالیا | جمهوری چک | کنیا | موزامبیک | صربستان و مونتنگرو | امارات متحده عربی |
| بحرین | مصر | لیبریا | نامیبیا | کره جنوبی | اروگوئه |
| بلاروس | فنلاند | مقدونیه | نپال | سریلانکا | ازبکستان |
| بولیوی | آلمان | مالزی | کره شمالی | سودان | ویتنام |
| برزیل | یونان | مالدیو | پاکستان | تانزانیا | |
| برونئی | هندوستان | جزیره مالت | روسیه | تایلند | |
| برمه | ژاپن | مغولستان | سنگال | اوکراین | |

Source: Annual Report to Congress, 2010: 74:

۵. چین و تجارت اسلحه

در چند سال گذشته، چین تلاش کرده تا کیفیت و ارزش محصولات صادراتی خود به کشورهای دیگر در تمام زمینه‌ها و از جمله محصولات نظامی را افزایش دهد. طبق یکی از برآوردهای مهم، در سال‌های ۹-۲۰۰۶، ارزش صادرات اقلام دفاعی چین به کشورهای در حال توسعه، سالانه ۱/۹ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است. البته بخش مهمی از صادرات دفاعی چین به کشور پاکستان می‌باشد که به‌عنوان کشوری که با چین دارای منافع همسو (در رقابت با هند) می‌باشد، مشتری خوبی برای محصولات نظامی چین می‌باشد (Tags, 8 Dec 2010).

در اوایل دهه ۱۹۹۰ که سال‌های آغازین برآمدن چین به‌شمار می‌رود و در عین حال، در آن زمان‌ها کشورهای در حال توسعه زیادی مانند زمان حال، هدف تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه قرار نگرفته بودند، چین یکی از منابع مهم ارسال اسلحه و فناوری‌های نظامی به کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌رفت. در این زمینه، به‌خصوص توانایی‌های موشکی کره شمالی، مدیون کمک‌های دولت و متخصصان چینی می‌باشد.

کشورهای آفریقایی نیز از مشتریان همیشگی سلاح‌های کوچک و سبک چین می‌باشند. هر چند درآمد حاصل از فروش این سلاح‌ها در مقایسه با فناوری نظامی و سلاح‌های دیگر چندان بالا نیست، ولی چین از این ابزار برای تقویت حضور خود به‌عنوان یک عضو مهم نظام بین‌المللی در مناطق مختلف دنیا و نیز دسترسی به منابع معدنی و اولیه مورد نیاز برای اقتصاد در حال رشد این کشور استفاده می‌کند. در سایه چنین روابطی است که بسیاری از طرح‌های عمرانی کشورهای آفریقایی و منابع معدنی و به‌ویژه معادن زغال سنگ این کشورها به پیمانکاران چینی واگذار شده است (China in Africa, 7 Aug, 2010).

گفتنی است که هدف چین در زمینه تجارت اسلحه، فقط صادرات و کسب درآمدهای ارزی نیست، بلکه چین تلاش می‌کند تا از راه واردات محصولات نظامی از کشورهای پیشرفته غربی و نیز روسیه و مطالعه بر روی آنها بتواند به نمونه‌سازی بپردازد. این امر، افزون بر تأمین نیازهای ارتش این کشور، امکان صادرات محصولات مازاد را برای چین فراهم می‌کند. برای مثال، چین توانسته است از روی سلاح‌های روسی، نمونه‌های مختلفی ساخته و به صادرات آنها بپردازد. این موضوع، موجب اختلاف دو کشور بر سر حق مالکیت معنوی این محصولات شده است. گفته می‌شود که آخرین هواپیمای جنگنده ساخت چین موسوم به J-11B نسخه‌ای از هواپیمای «سوخو ۲۷» روسی است که در دهه ۱۹۹۰ به چین فروخته شده است. روس‌ها مدعی هستند که چین پس از تولید تحت لیسانس ۱۰۰ فروند از این هواپیماها، قرارداد مربوط را در سال ۲۰۰۴ لغو کرده و پس از مدتی خود به تولید آنها اقدام کرده است (Tags, 8 Dec 2010).

۶. دیپلماسی دفاعی چین با آمریکا

با توجه به راهبردهای نظامی آمریکا و چین در زمان جنگ سرد، درگیری و جنگ میان دو کشور چندان دور از ذهن نبود؛ به‌ویژه که بر اساس قرائت کمونیستی

چین، جنگ با رهبر جهان سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر بود. با وجود این، از سال ۱۹۷۹ و عادی شدن روابط میان چین و آمریکا، دو کشور همکاری در حوزه‌های مختلف و از جمله مسائل نظامی را در دستورکار خود قرار داده‌اند. روابط نظامی دو کشور مزبور، از این زمان تا پایان دوره جنگ سرد از ثبات نسبی برخوردار بود؛ چرا که هر دو در مهار شوروی سابق دارای یک نفع مشترک بودند. آمریکا نیز در عین رعایت حساسیت‌های چین نسبت به تایوان و به‌خصوص خودداری از به رسمیت شناختن استقلال تایوان، از امکان صدور اقلام نظامی به‌نسبت پیشرفته به چین که تقاضای زیادی برای آنها داشت، به‌عنوان اهرمی برای تأثیرگذاری و کنترل این کشور بهره می‌گرفت. اما پایان جنگ سرد، به‌منزله زوال این ثبات نسبی نیز بود (Ross, 06/14/2010).

در واقع، در دوره جدید، با وجود روابط نظامی دو کشور چین و آمریکا، همراه با اقدام‌های اطمینان‌ساز مختلف، این روابط در اثر عوامل متعدد و به‌خصوص مسئله تایوان شاهد فراز و نشیب‌های گوناگونی بوده است. در نتیجه، دو کشور، یکی از هدف‌های بازدارندگی همدیگر به شمار می‌روند. افزون بر این، چین در کنار مسائل و دیدگاه‌های سنتی، هیچ وقت نخواسته است توانمندی‌های دفاعی خود را در برابر آمریکا به طور کامل آشکار نماید (Weitz, 15 Dec 2010).

البته سال ۲۰۰۹ میلادی، یکی از دوره‌های رشد روابط دفاعی دو کشور بوده است. در این سال، افزون بر رفت‌وآمد مقام‌های دفاعی و نظامی ارشد دو کشور، توافقات مهمی در سطح راهبردی و در حوزه‌های مختلف از جمله برگزاری گفت‌وگوهای نظامی، تأمین و تقویت امنیت دریانوردی بین‌المللی، مبارزه با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ... بین دو کشور حاصل گردید (Annual Report to Congress, 2010: 10).

با وجود این، تصمیم دولت اوباما در اوایل سال ۲۰۱۰، برای فروش تسلیحات به تایوان به ارزش ۶/۴ میلیارد دلار، موجب گردید تا دولت چین، هرگونه مبادله

هیئت‌های نظامی و برگزاری گفت‌وگوهای نظامی و نیز مبادله اطلاعات نظامی را به طور یکجانبه و تا مدتی نامعین متوقف نماید (Annual Report to Congress, 2010: 11). این وضعیت تا زمان بازدید رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا از چین در تاریخ ۵ ژوئن ۲۰۱۰، همچنان ادامه داشت.

در حال حاضر، طراحان راهبردی آمریکا در عین آگاهی از تغییر اوضاع و نفوذ فزاینده چین در صحنه بین‌المللی که در برخی مواقع (مانند مورد کره شمالی)، آمریکا را به اراده و سیاست چین برای ترغیب کره شمالی به پذیرش تعامل با نظام بین‌المللی وابسته می‌کند، آنها به دنبال تعریف و تحقق وضعیتی هستند که آمریکا اهرم‌های پیشین برای کنترل چین را دوباره احیا نماید.

گفتنی است که یکی از حوزه‌های هدف برای چین در زمینه دیپلماسی دفاعی، منطقه آمریکای لاتین می‌باشد که این امر حساسیت شدید آمریکا را برانگیخته است. آمریکای لاتین و تعامل نظامی چین با کشورهای این منطقه، از آن جهت حائز اهمیت است که این منطقه به‌عنوان حیاط خلوت آمریکا به شمار می‌رود. هرچند برخی معتقدند که حضور چین در منطقه، اغلب اقتصادی بوده و این کشور تاکنون نتوانسته قراردادهای تسلیحاتی هنگفت در این منطقه به دست آورد، ولی این قراردادها تنها یکی از اشکال دیپلماسی نظامی به شمار می‌روند و زمینه‌های دیگر از مبادله اطلاعات نظامی تا ارائه دوره‌های آموزشی، نقش مهمی در تعیین چشم‌انداز آتی روابط نظامی چین با کشورهای منطقه ایفا خواهد کرد، به‌خصوص با توجه به اینکه دانشجویان نظامی کشورهای آمریکای لاتین که برای دوره‌های آموزشی به چین اعزام می‌شوند، محدود به کشورهایی مانند کوبا و ونزوئلا نیست که در زمینه سیاست خارجی با آمریکا اختلاف نظر دارند، بلکه حتی متحدان آمریکا در منطقه مانند آرژانتین، مکزیک، شیلی و کلمبیا را نیز شامل می‌شود (Horta, Sep-Oct 2008: 48). در عین حال، تقویت روابط سیاسی و اقتصادی، زمینه لازم برای آغاز و تقویت همکاری‌های دفاعی را نیز به وجود می‌آورد.

افزون بر این، میزان کمک‌های نظامی چین به کشورهای آمریکای لاتین نیز در نزدیک شدن روابط دو طرف بسیار مؤثر می‌باشد. در این زمینه، کوبا یک نمونه بسیار بارز است. پس از فروپاشی شوروی، چین در بسیاری از زمینه‌ها و از جمله مسائل نظامی به کمک این کشور کمونیستی ضعیف ولی همفکر و همسوی خود شتافته است. در این راستا، چین افزون بر کمک به کوبا برای تعمیر و نگهداری سامانه‌های نظامی دریافتی از شوروی سابق، در بسیاری از زمینه‌ها به‌ویژه نیروهای هوایی، تجهیزات و کمک‌های فراوانی در اختیار کوبا قرار داده است (Horta, Sep-Oct 2008: 52). اضافه می‌شود که در حال حاضر کمک‌های نظامی چین مانند گذشته، تنها محدود به کشورهای سوسیالیست نیست.

گفتنی است آمار رفت و آمدهای نظامی دو طرف در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که بیش از آنکه مقام‌های نظامی چین رهسپار آمریکای لاتین شوند، این نظامیان کشورهای منطقه اخیر هستند که با هدف‌های مختلف، راهی پکن شده‌اند. یکی از عوامل این عدم توازن، به مسئله زبان بر می‌گردد؛ زیرا ارتش چین، کارکنان کافی برای آموزش نظامی به زبان‌های پرتغالی و اسپانیولی را دارا نیست و کارکنانی که قادر به تکلم این زبان‌ها می‌باشند، هنوز به رتبه‌های بالا و معرفی به عنوان استاد دوره‌های گوناگون نایل نشده‌اند (Horta, Sep-Oct 2008: 48).

البته با توجه به حساسیت‌های آمریکا نسبت به نزدیکی چین به کشورها منطقه و به‌ویژه در زمینه‌های نظامی و دفاعی، چین همواره تلاش کرده است از تحریک آمریکا خودداری کند. این وضعیت، ملاحظه‌های آمریکا نسبت به تایوان و خودداری از تحریک چین را تداعی می‌کند.

۷. دیپلماسی دفاعی چین با روسیه

جمهوری خلق چین و اتحاد جماهیر شوروی سابق، هر دو به‌عنوان کشورهای کمونیستی، در زمان جنگ سرد روابط نزدیکی داشتند و رویکرد آنها در برابر دنیای

غیرکمونستی، وجوه اشتراک فراوانی داشت، اما چندان طولی نکشید که داعیه رهبری جهان کمونستی و برداشتهای متفاوت در زمینههای مختلف، موجب شکاف و دوری میان این دو کشور گردید، به گونه‌ای که خطر جنگ و درگیری، بر روابط این دو کشور همسو نیز سایه انداخته بود. در عین حال، همان گونه که فروپاشی نظام دوقطبی تأثیر مهمی در تحول روابط آمریکا و چین برجای گذاشت، با ورود دو کشور چین و روسیه به برهه جدید، روابط آنها نیز در تمام زمینه‌ها و از جمله روابط نظامی و امنیتی متحول شد (Matsuda, December 2006: 21). در دوره جدید، دو کشور، با توسل به اقدامهای اطمینان‌ساز تلاش کردند هماهنگی و همکاری در زمینه‌های نظامی و امنیتی را جایگزین بدبینی‌های سابق بکنند. در این راستا، اولین اقدام مهم، کاهش تعداد نیروهای مستقر دو طرف در نزدیکی مرزهای یکدیگر بود (Yuan, January 1998: 12). این اقدامها با دور شدن از فضای جنگ روانی و شفاف‌سازی‌های بیشتر و نیز کاهش متقابل نیروها و تغییر جهت هدف‌گیری سلاح‌های مستقر توسط رهبران دو کشور پیگیری شد. جدول زیر، فهرستی از اقدامهای بالا را نشان می‌دهد:

جدول ۳. فرایند اعتمادسازی میان چین و روسیه

| تاریخ | اقدامها |
|--------|--|
| ۱۹۹۰ | (۱) کاهش تعداد نیروهای مستقر در نزدیکی مرزهای یکدیگر |
| ۱۹۹۲-۳ | (۱) بیانیه مشترک منع توسل به زور و عدم تجاوز |
| ۱۹۹۴ | (۱) برقراری خط تلفنی مستقیم بین فرماندهان مناطق نظامی مهم دو کشور (۲) بیانیه مشترک مبنی بر منع استفاده اول از سلاح‌های هسته‌ای علیه یکدیگر و عدم نشانه‌روی سلاح‌های هسته‌ای علیه همدیگر |
| ۱۹۹۵ | (۱) امضای توافقنامه همکاری‌های نظامی در مناطق مرزی و افزایش مبادله اطلاعات در این مناطق |
| ۱۹۹۶ | (۱) اعلامیه مشارکت برای همکاری راهبردی (۲) معاهده شانگهای که به سازمان همکاری‌های شانگهای تبدیل شد (۳) برقراری خط تلفنی مستقیم میان رهبران دو کشور |
| ۱۹۹۷ | (۱) کاهش تعداد نیروهای مستقر در مرزها در چارچوب اقدام همه اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای |

Source: Tsai, 2003: 93.

در دهه گذشته، امضای پیمان حُسن همجواری، همکاری و دوستی بین چین و روسیه، به‌عنوان نقطه عطف روابط دو کشور، نه تنها نقطه پایانی بر اختلاف‌های مرزی میان دو کشور گذاشت، بلکه زمینه را برای همکاری‌های جدی‌تر و مبادله هیئت‌های نظامی عالیرتبه، برگزاری دور منظم گفت‌وگوهای راهبردی و رزمایش نظامی مشترک را در سال ۲۰۰۵ فراهم کرد. افزون بر این، در زمینه خرید و فروش اسلحه نیز دو کشور معامله‌های گوناگونی تاکنون انجام داده‌اند. باوجود این، در کنار همکاری‌های بالا، برخی مواقع، مسائل دیگری همچون اختلاف بر سر معامله‌های نظامی و یا امکان دخالت در امور داخلی و به‌خصوص در زمینه مسائل قومی بروز می‌کنند که می‌توانند روند رو به رشد روابط نظامی میان دو کشور را با کندی همراه سازند.

۸. دیپلماسی دفاعی چین با سایر قدرت‌های بزرگ

به غیر از آمریکا و روسیه، برخی دیگر از قدرت‌های بزرگ در بین کشورهای غربی - در عین اینکه دارای مرز مشترک با چین نبوده و در حال حاضر دو طرف، تهدید امنیتی علیه یکدیگر به شمار نمی‌روند، اما در صورت دشمنی، هزینه‌های سنگینی می‌توانند به همدیگر وارد کنند - از نقطه‌نظر دیپلماسی نظامی برای چین حائز اهمیت هستند. اولین کشوری که در این زمره به ذهن می‌رسد، فرانسه است که چین تلاش بسیاری برای جذب فناوری‌های نظامی پیشرفته از این کشور، انجام داده است. از نظر سیاسی نیز دیدگاه دو کشور در مخالفت با سلطه آمریکا و تلاش برای ایجاد نظام چندقطبی تا اندازه زیادی به هم نزدیک است. در عمل نیز رفت‌وآمد نظامیان دو کشور در سال‌های اخیر بسیار بالا رفته است (Matsuda, December 2006: 29). انگلیس و آلمان نیز از همین مزیت فناورانه برخوردارند، با این تفاوت که مواضع سیاسی آنها با مواضع آمریکا هماهنگ است (US Blocked Spanish Move To Lift EU Sanctions On China", 2010-12-16).

باوجود این، به دنبال سرکوب دانشجویان چینی در میدان تیان‌آن‌من در سال ۱۹۸۹، اتحادیه اروپایی، چین را از نظر نظامی تحریم کرد. اخبار و گزارش ملاقات مقام‌های دو طرف از آن زمان تاکنون نشان می‌دهد که رفع تحریم‌ها همواره در دستورکار مذاکرات دو طرف بوده است. در حال حاضر هرچند اروپاییان برای انجام معامله‌های نظامی هنگفت با چین وسوسه می‌شوند، ولی تحت فشار سیاسی آمریکا (2010-12-16 "US Blocked Spanish Move To Lift EU Sanctions On China") و ژاپن، قادر به برداشتن تحریم‌ها نبوده است. برداشتن تحریم‌ها از نظر اقتصادی نیز به ضرر روسیه تمام خواهد شد که در غیاب رقیب، میدان‌دار اصلی فروش تسلیحات به چین بوده است. در واقع، چین در تعامل نظامی با این کشورها به نوعی از الگوی هند پیروی می‌کند. به این معنی که تسلیحات روسی را خریداری و با تکیه بر سلاح‌های فرانسوی آنها را بهبود می‌بخشد (Matsuda, December 2006: 30). در نهایت، افزون بر کشورهای یادشده، چین با بسیاری دیگر از کشورهای غربی نیز تعامل نظامی دارد. در این میان، آن دسته از کشورهای غربی که در سال ۲۰۰۳ مخالف حمله آمریکا به عراق بودند، از نظر چین زمینه‌ها بهتری برای همکاری‌های نظامی دارند. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) هم جزو هدف‌های دیپلماسی نظامی چین به شمار می‌رود. هرچند تا مدت‌ها چین با این سازمان در زمانه جنگ سرد مخالفت می‌کرد، ولی از سال ۲۰۰۲ چین پیشنهاد کرده تا دو طرف، گفت‌وگوهای راهبردی را شروع کنند. باوجود این، هیچ پیشرفت مشهودی بر اساس این گفت‌وگوها گزارش نشده است. در عین حال می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده، تعامل نظامی چین بر رابطه با شبکه‌هایی با محوریت آمریکا متمرکز خواهد بود.

۹. دیپلماسی دفاعی چین با کشورهای منطقه

کشور چین در عین دارا بودن عمق راهبردی، به منظور بهره‌گیری از فرصت‌های نظامی در خارج از کشور، نیازمند نظر مساعد کشورهای همسایه است. در این

رابطه، تاکنون روابط نظامی مطلوبی با کشورهای پاکستان، بنگلادش و میانمار برقرار شده است. دیگر کشورهای مهم منطقه برای دیپلماسی نظامی چین شامل ژاپن، هند و کره شمالی می‌باشند.

روابط چین و پاکستان به طور سنتی خوب بوده و تاریخ این روابط تاکنون بارها شاهد معامله‌ها و نیز کمک‌های نظامی هنگفت چین به پاکستان بوده است. چین، طرح‌های نظامی متعددی نیز برای بنگلادش و میانمار به اجرا درآورده است، اما در هر سه مورد، چین به دلیل کمک به نظامیان اقتدارگرا و یا بهره‌برداری جانبی از این طرح‌ها علیه رقبای خود و از جمله هند، مورد انتقاد قرار گرفته است (Matsuda, December 2006: 30).

دیپلماسی دفاعی چین در رابطه با ژاپن در وهله اول به دنبال کسب اطلاعات از وضعیت ارتش ژاپن و نیز نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در ژاپن و در وهله بعدی تلاش برای تضعیف اتحاد دو کشور مزبور می‌باشد. در عین حال، بهره‌گیری از توان فناورانه و نظام برنامه‌ریزی ارتش ژاپن برای چین مطلوب می‌باشد. در این راستا، رفت‌وآمد نظامیان دو کشور از اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع و به دنبال حادثه تیان‌آن‌من متوقف شده بود. این روابط پس از پایان جنگ سرد، در اشکال مختلف اعم از مبادله استاد و دانشجوی علوم نظامی و برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک از سر گرفته شد و گفت‌وگوهای راهبردی میان دو کشور به‌طور منظم برگزار می‌گردد که یکی از دستورکارهای مهم این جلسه‌ها، گفت‌وگو درباره روابط امنیتی آمریکا و ژاپن می‌باشد. البته کارشناسان چینی معتقدند که ژاپن در حال تبدیل شدن از یک قدرت اقتصادی به یک قدرت سیاسی است و در این راستا، ژاپن از روابط نزدیک خود با آمریکا برای تحقق این هدف استفاده می‌کند. این وضعیت برای چین مطلوب نیست (Matsuda, December 2006: 32). گفتنی است که روابط نظامی دو کشور، تابعی از فرازونشیب در روابط سیاسی دو کشور می‌باشد و مسائل فرهنگی، تاریخی و سیاسی نقش خود را در این وضعیت نمایان می‌سازند.

روابط نظامی چین با هندوستان پیچیده‌تر از وضعیت فوق بوده است. در زمان جنگ سرد، افزون بر مسائل ایدئولوژیک، اختلاف‌های ارضی میان دو کشور و کمک‌های چین به پاکستان موجب درگیری و سردی روابط میان دو کشور شده بود. اما در سال ۱۹۹۶ با نخستین دیدار رهبر چین از هند - از زمان آغاز روابط دیپلماتیک میان دو کشور - و امضای توافقنامه اقدام‌های اطمینان‌ساز، گام‌های نخست برای تنش‌زدایی در روابط دو کشور برداشته شد. البته در این مدت، با توجه به تفوق نیروهای چینی بر هند، این هند بود که نگران قدرت نظامی چین بوده است. با وجود این، از زمان آزمایش بمب هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸، اهمیت هند برای چین افزایش پیدا کرده است و مانند رابطه با ژاپن، چین به دنبال تنش‌زدایی از یکسو و جلوگیری از نزدیک شدن هند به آمریکا از سوی دیگر است (Matsuda, December 2006: 34). در حال حاضر، مبادله‌های نظامی میان دو کشور در اشکال مختلف برقرار است.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه در حال حاضر هند به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای ضمنی (دوفاکتو)، از سوی قدرت‌های بزرگ و به‌ویژه آمریکا به رسمیت شناخته شده است و با وجود تحریم‌های اولیه به دلیل هسته‌ای شدن هند، آمریکا در حال حاضر شروع به همکاری‌های راهبردی و حتی همکاری‌های هسته‌ای با هند کرده است. قدرت‌های دیگر نیز با توجه به منافع سیاسی و اقتصادی تعامل هسته‌ای با هند، تلاش دارند با امضای قرارداد و یادداشت تفاهم همکاری با هند، از این منافع بی‌نصیب نمانند. در این راستا، با توجه به اینکه حساسیت و دشمنی پیشین میان چین و هند، اکنون جای خود را به همکاری داده است، هند اهمیت و جایگاه خاصی در دیپلماسی دفاعی کشور چین دارد.

سرانجام در رابطه با کره شمالی، اوج دوره روابط نظامی نزدیک چین با این کشور، در زمان جنگ سرد بود. در این دوره، افزون بر کمک مستقیم چین برای دفاع از کره شمالی کمونیست در برابر نیروهای جنوبی تحت حمایت کشورهای غربی، در زمان

رقابت شدید میان شوروی سابق و چین، مقام‌های چینی به‌منظور جلب دوستی بیشتر کره شمالی، کمک‌های نظامی زیادی در اختیار این کشور قرار دادند، اما پس از پایان جنگ سرد و به‌ویژه با آغاز روابط دیپلماتیک چین با کره جنوبی از سال ۱۹۹۲، کمک‌های نظامی چین به کره شمالی رو به کاهش بوده است. با این حال، مبادله هیئت‌های نظامی میان دو کشور همچنان ادامه دارد، هر چند که زمان و محتوای دیدارهای انجام شده در این مسافرت‌ها به‌شدت مخفی نگه داشته می‌شود و بسیاری از قضاوت‌ها بر اساس حدس و گمان می‌باشد. همچنین، با نزدیک شدن روسیه به غرب که زمانی متحد بسیار نزدیک کره شمالی محسوب می‌شد، چین جای نفوذ این کشور را به‌عنوان برادر بزرگ در کره شمالی گرفته است و در بسیاری از موارد به‌عنوان میانجی کره شمالی و غرب عمل کرده و در نتیجه آن، کره شمالی به پای میز مذاکره برگشته است، اما اگر کره شمالی روابط خود را با غرب عادی‌سازی کند، چین مقدار زیادی از نفوذ خود را در مورد کره شمالی از دست خواهد داد و از سوی دیگر، اگر این روابط متشنج‌تر شود، چین شاهد برخوردهای شدید آمریکا و ژاپن با کره شمالی و حضور نظامی قوی آنها در منطقه خواهد بود که مطلوب چین نمی‌باشد. در نتیجه، معمای کره شمالی همیشه برای چین مطرح بوده است (Matsuda, December 2006: 36).

در حال حاضر، کره شمالی با مشکلات زیادی در رابطه با بحران اقتصادی و تغییر رهبری مواجه است و از این‌رو نیازمند ثبات است، اما برای تأمین آن، امکانی بیشتر از ابزار نظامی و تهدید به کاربرد سلاح هسته‌ای ندارد. حمله به کشتی ماهیگیری کره جنوبی و فراتر از آن، حمله توپخانه‌ای به خاک کره جنوبی را می‌توان به آن منظور مورد تفسیر قرار داد که رهبران کره شمالی با کوبیدن بر طبل جنگ می‌خواهند به کره جنوبی و متحدان آن نشان دهند که چیز بیشتری برای باختن ندارند و طرفی که ضرر بیشتری خواهد کرد، همان کره جنوبی است. در چنین شرایطی، اگر چین از کره شمالی حمایت نکند، رژیم این کشور سقوط می‌کند. در این وضعیت، چین با سیل آوارگان

کره شمالی روبه‌رو خواهد شد و شکست کره شمالی، به یقین، زمینه را برای اتحاد دو کره فراهم خواهد آورد که از نظر راهبردی، برای چین بسیار نامطلوب است و رقیبی تاریخی و قدرتمند را مجدد در همسایگی این کشور احیا می‌کند. بدیهی است که حکومت کره شمالی در حال استفاده از این موضوع به‌عنوان یک برگ برنده، در تلاش برای به‌دست آوردن امتیازاتی اضافی برای یاری گرفتن از چین یا از دیگر کشورها است تا به این وسیله حکومت خود را سرپا نگه دارد. در عین حال، چین نه می‌تواند و نه تمایلی دارد که مانند دوران گذشته از کره شمالی حمایت کند و بنابراین سلطه و نفوذ این کشور در کره شمالی مانند دوران گذشته نبوده و چینی‌ها به طور کامل بر کره شمالی مسلط نیستند.

۱۰. دیپلماسی دفاعی چین با جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، ایران و چین با داشتن دیدگاه‌های مشترکی در مورد نظام بین‌الملل، با سلطه آمریکا در جهان موافق نبودند (هرچند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سلطه شرق را نیز رد می‌کرد). مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، زمینه مناسبی را برای فعال شدن دیپلماسی نظامی چین در منطقه فراهم آورد؛ به‌گونه‌ای که چین با وجود اعلان بی‌طرفی در این جنگ، برای بهره‌برداری اقتصادی هر چه بیشتر، به هر دو طرف جنگ سلاح می‌فروخت (Garver, 14 July 2005: 2).

این وضعیت پس از پایان جنگ نیز ادامه یافت و چین ضمن مشارکت گسترده در بازسازی اقتصادی ایران، به مهم‌ترین تأمین‌کننده تسلیحاتی ایران تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ نیمی از سلاح‌های خارجی ایران از چین وارد می‌شد - البته کیفیت پایین این سلاح‌ها نسبت به سلاح‌های دیگر کشورهای پیشرفته، موجب نارضایتی از کیفیت سلاح‌های چینی شده بود. در هر صورت، روابط نظامی دو کشور همواره توأم با گسترش

روابط اقتصادی، تقویت شده است (Garver, 14 July 2005: 3). با وجود این، چین تحت فشار کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا - با وجود اینکه اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد همکاری هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران شده بود، با تشدید فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران به دلیل برنامه هسته‌ای آن - همکاری خود را با ایران کم‌رنگ کرد. البته مخالفت‌ها و مقاومت‌های چین، مانع مهمی در افزایش فشارها بر علیه ایران بوده است، اما منافع اقتصادی گسترده چین در تعامل با گروه غرب و فشارهای سیاسی این کشورها، چین را از ایران دور کرده است که نمود عینی آن، تأیید تحریم‌های شورای امنیت علیه ج.ا. ایران توسط چین می‌باشد. بنابراین در چنین شرایطی روابط اقتصادی و نظامی دو کشور نسبت به گذشته، کاهش چشمگیری یافته است.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، با توجه به مطالب فوق، جمع‌بندی و برداشت مربوط به ماهیت دیپلماسی دفاعی چین به قرار زیر می‌باشد:

(۱) همزمان با رشد اقتصادی روزافزون چین، احتمال تعارض منافع اقتصادی و سیاسی - نظامی این کشور نیز افزایش خواهد یافت. رویکرد دیپلماسی دفاعی چین، مستقل از دستورکار سیاسی این کشور نمی‌باشد. نظام سیاسی متمرکز چین، امکان تصمیم‌گیری‌های سریع و عملیاتی کردن زودهنگام آنها در زمینه دیپلماسی دفاعی را نیز فراهم می‌آورد.

(۲) چین برای حفظ آهنگ مطلوب رشد اقتصادی خود، مجبور است ملاحظه‌های ایدئولوژیک خویش را نادیده بگیرد. کشورهای دیگر نیز برای تأمین نیازهای خود مایل به مصالحه با چین هستند؛ تلاش اتحادیه اروپایی برای برداشتن تحریم‌های نظامی، نشانگر تفوق انگیزه‌های اقتصادی تعامل این اتحادیه با چین است.

(۳) هر اندازه چین از نظر اقتصادی رشد کند، نیاز و تقاضا برای نوسازی ارتش این کشور نیز بیشتر خواهد شد و در نتیجه، دیپلماسی دفاعی، اهمیت بیشتری برای رهبران چین خواهد داشت.

(۴) دیپلماسی دفاعی چین، موجب تحکیم روابط خارجی و همکاری چین با کشورهای دیگر شده و فضای مطلوبی در بُعد خارجی برای هدف‌های توسعه‌ای چین فراهم کرده است. این نوع دیپلماسی، بخشی از راهبرد کلان این کشور در زمینه سیاست خارجی است. در حال حاضر، چین در زمینه سیاست خارجی به سمت راهبرد درهای باز و ایجاد فضای مناسب برای تحقق رشد اقتصادی مطلوب در حرکت است. در نتیجه، همکاری و تعامل چین با کشورهای دیگر و از جمله در امور نظامی و امنیتی در حال افزایش است. در عین حال، هدف‌ها و شیوه‌های دیپلماسی دفاعی چین به شکل رایج و مرسوم در صحنه بین‌المللی می‌باشد و تفاوت ماهوی و شکلی چندانی با دیپلماسی دفاعی کشورهای دیگر ندارد. همچنین، چین ضمن بهره‌برداری از مزایای فناوریانه نظامی آمریکا و روسیه، از نزدیک‌تر شدن کشورهای دیگر به این دو کشور، رضایت خاطر چندانی ندارد.

(۵) هرچند چین، عضو رسمی جنبش عدم تعهد نیست، با هیچ کشوری پیمان اتحاد نظامی ندارد و به این دلیل، انعطاف و آزادی عملی بیشتری برای تأمین منافع ملی این کشور به وجود می‌آید، ولی دیپلماسی دفاعی چین به منظور تلاش برای تأمین و تقویت امنیت ملی این کشور از راه تعامل و همکاری با کشورهای دیگر، می‌خواهد به طور هماهنگ با دیگر ابعاد سیاست خارجی این کشور، برنامه نوسازی ارتش چین را نیز هر چه زودتر تحقق بخشد.

(۶) دیپلماسی دفاعی چین مبتنی بر واقع‌گرایی صرف است و البته پوششی آرمانگرایانه و در قالب چندجانبه‌گرایی بر روی آن کشیده شده است. در واقع،

چین به‌طور یکجانبه (تنها با ملاحظهٔ منافع این کشور) فکر می‌کند، به‌طور دوجانبه عمل می‌کند (تلاش برای حل و فصل اختلاف‌ها و مصالحه با هر کشوری که در تضاد منافع می‌باشد) و چندجانبه‌گرایی آن، تا حدودی ظاهری و برای کسب اعتبار است (ابزارهای دیپلماسی چندجانبه تا زمانی که با منافع چین همسو است، مورد استفاده قرار می‌گیرند).

Archive of SID

منابع و مأخذ

1. Annual Report To Congress (2010), *Military and Security Developments Involving the People's Republic Of China 2010, Office Of The Secretary of Defense*, available at: www.defense.gov/Pubs/Pdfs/2010_CMPR_Final.Pdf
2. Blank, Stephen (11 Nov 2003), "Defense Diplomacy, Chinese Style", available at: <http://www.atimes.com/Atimes/China/EK11Ad02.html>
3. Cottey, A. and Forster, A (2004), *Reshaping Defense Diplomacy: New Roles for Military Co-Operation And Assistance*, Oxford, Oxford University Press.
4. Four Major Features Of China's Military Diplomacy (20 November 2009), available at: <http://www.china-defense-mashup.com/?P=5455>
5. Garver, John W (14 July 2005), "*Iran-China Relations, Ancient Partners Building A Post-Imperial World*", Sam Nunn School Of International Affairs, Georgia Institute Of Technology,
6. Gunness, Kristen (20 June 2006), "China's Military Diplomacy In An Era Of Change", A Paper Prepared For The National Defense University Symposium On *China's Global Activism: Implications For U.S. Security Interests*, National Defense University.
7. Horta, Loro (Sep-Oct 2008), "In Uncles Sam's Backyard: China's Military Influence in Latin America", *Military Review*.
8. http://english.peopledaily.com.Cn/200211/06/Eng20021106_106369.html
9. IISS, *The Military Balance (2010)*, London, The International Institute for Strategic Studies.
10. Matsuda, Yasuhiro (December 2006), "An Essay on China's Military Diplomacy: Examination of Intentions In Foreign Strategy," *NIDS Security Reports*, No. 7.
11. *New Era For China's Military Diplomacy* (Beijing Time) (6 November 2002), wednesday.
12. Plessis, Anton Du (1 November 2008), "Defence Diplomacy: Conceptual and Practical Dimensions with Specific Reference to South Africa", *Strategic Review for Southern Africa*.
13. Ross, Ed (06/14/2010), "U.S.-China Military Interaction: A Dysfunctional Relationship", available at: <http://dailycaller.com/2010/06/14/U-S-China-Military-Interaction-A-Dysfunctional-Relationship/>
14. Tags, Raja Mohan (7 August 2010), "Defense Diplomacy", available at: <http://www.indianexpress.com/News/Defence-Diplomacy/721801/0>
15. The Charter Of The United Nations, available at: <http://www.un.org/en/Documents/Charter/Index.html>
16. Tsai, Ming yen (2003), *From Adversaries to Partners?: Chinese and Russian Military Cooperation after the Cold War*, Connecticut and London, Prager.
17. US Blocked Spanish Move to Lift EU Sanctions on China (2010-12-16), available at: <http://www.china-defense-mashup.com/?P=9423>
18. Weitz, Richard (15 Dec 2010), "Enduring Difficulties in China-U.S. Defense Diplomacy", available at: <http://www.informaworld.com/Smpp/Content-Db=All-Content=A917909525>

19. White Paper On National Defense 2004, available at:
<http://www.fas.org/Nuke/Guide/China/Doctrine/Natdef2004.Html>
20. Yuan, Jing-Dong (January 1998), "Sino-Russian Confidence Building Measures: A Preliminary Analysis", available at:
<http://www.ligi.ubc.ca/Sites/Liu/Files/Publications/Webwp20.Pdf>

Archive of SID